

برداشتی متفاوت از ماهیت تفسیر تربیتی: نظریه‌پردازی در حکم هدف و آرمان تفسیر تربیتی^۱

چکیده

در این پژوهش، تبیین ماهیت تفسیر تربیتی مدنظر بوده است. بدین منظور، ابتدا ماهیت این تفسیر با نظر به گونه‌شناسی بازنگری‌شده از دیدگاه‌های موجود از تفسیر تربیتی، تبیین شد و بر اساس سه معیار اصلی، یعنی روش تفسیر، شمول آیات و معنای تربیت، برای هر کدام از دیدگاه‌های ذیل هر معیار، مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی و عرضی که در مجموع، با یکدیگر سازنده‌ی ماهیت هرگونه تفسیر تربیتی هستند، شرح و تفصیل داده شد. برای تعیین ماهیت تفسیر تربیتی با نظر به گونه‌شناسی وضع مطلوب، بر اساس معیار هدف تفسیر تربیتی که جامعیت و ژرفای مطلوبی دارد، ماهیت تفسیر تربیتی تعیین گردید. ذیل معیار هدف تفسیر تربیتی، شش طبقه، شامل استخراج و شرح نکات تربیتی، مقایسه و تطبیق با یافته‌های سایر علوم، چهره‌گشایی از حقایق قرآن، تأیید گزاره‌های قرآن/علوم تربیتی، استخراج عناصر تربیتی و نظریه‌پردازی قرار دارد. در ادامه، ماهیت هر یک از این طبقات بررسی شد. همه‌ی این طبقات به جز هدف نظریه‌پردازی، در دو ویژگی، یعنی داشتن نگاه محدود به تفسیر تربیتی و محدودیت در دستاوردها و تولیدات مشترک هستند. بر این اساس، نظریه‌پردازی به عنوان ماهیتی مقبول برای تفسیر تربیتی شرح و بسط داده شد. برای توضیح این ماهیت، مباحثی مانند گستردگی نگاه به تعلیم و تربیت و ارتقای تفسیر تربیتی در حکم دیدگاهی فراکنشی مطرح شد که به دانش موجود تربیت اکتفا نکرده و در پی بازسازی این قلمرو معرفتی است و در نهایت، ایده‌ی اصلی این پژوهش، یعنی هدف نظریه‌پردازی برای تفسیر تربیتی، ضرورت‌ها و برخی الزامات آن بررسی شد.

کلیدواژه:

تفسیر تربیتی، قرآن، علوم تربیتی اسلامی، ماهیت نظریه‌پردازی

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «چیستی و ماهیت تفسیر تربیتی و بررسی نسبت آن با نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت» پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد است.

پژوهشگران علوم قرآنی چندی است که از گرایش تفسیری با نام «تفسیر تربیتی» سخن به میان آورده‌اند و در این مدت نیز، کم و بیش، کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌های دانشگاهی و سخنرانی‌ها و مباحثاتی در باب آن، شکل گرفته است. البته، تفسیر تربیتی در جهان، شیوه‌ای از مطالعات تربیتی است که در زمینه‌ی موضوعات مختلف تربیتی انجام می‌پذیرد؛ اما تفسیر تربیتی با تمسک به آیات و روایات به صورت روشمند، موضوعی نسبتاً جدید است که در ادبیات تعلیم و تربیت با انگاره‌ی اسلامی مطرح شده است. بررسی این آثار نشان می‌دهد تعاریف مختلفی برای تفسیر تربیتی مطرح شده است؛ برای نمونه، اعرافی (۱۳۹۳) تفسیر تربیتی را، تفسیر آیات قرآن در قلمرو تعلیم و تربیت و مراجعه به قرآن کریم، برای کشف دیدگاه آن در موضوعات مصرح و غیرمصرح تربیتی می‌داند و بیان می‌کند: بهتر است تفسیر تربیتی، در حیطه‌ی عناصر نظام تربیتی باشد. ابوخمسین و مؤدب (۱۳۸۷، ص ۵) اظهار می‌کنند: در تفسیر تربیتی، تلاش می‌شود نظریه‌ی تربیتی صحیحی که در اسلام انتخاب شده است، به کار بسته شود و همچنین، اطلاعات علوم تربیتی، مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف و عوامل و همه‌ی عناصر تربیت علمی در ایضاح قرآن لحاظ شود. رضایی اصفهانی (۱۳۸۷، ص ۳) نیز بر این باور است که در تفسیر تربیتی، اعجاز تربیتی قرآن مطرح است و این تفسیر، جزء تفاسیر تخصصی قرآن است. کاظمی (۱۳۹۲، ص ۴۴) معتقد است: گرایش تربیتی، به معنای استفاده‌ی مفسر از مباحث و مسائل علوم تربیتی، برای تفسیر آیات قرآن است که باید در تفسیر، به این مباحث و مسائل، بسیار توجه شود و مفسر در این نوع تفسیر می‌کوشد نکات تربیتی آیات را که بیشتر مورد نیاز جامعه‌ی امروز ماست، بیان کند. به زعم مؤدب (۱۳۹۲، ص ۲۶)، در تفسیر تربیتی، مفسر به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازد. در این گرایش، مهم‌ترین نکته‌های تفسیری، مطالب اخلاقی و هدایتی است. اسعدی (۱۳۹۴، ص ۴۴) تفسیر تربیتی را، فرآیند تبیین آیات با رویکرد تربیتی و کشف معارف قرآن با تکیه بر دانش‌های مرتبط تعریف کرده است. افشاگر (۱۳۸۷، ص ۳) آن را، تفسیر آیات بر اساس نظام تربیتی قرآن معرفی می‌کند؛ به عبارت دیگر، به تفسیر قرآن را با رویکرد تربیتی، تفسیر تربیتی می‌گویند. در تعریف دیگری نیز، تفسیر تربیتی، کشف و پرده‌برداری از ابهامات واژه‌ها و جمله‌های قرآن در حوزه‌ی تربیت و توضیح و تبیین مقاصد و اهداف آیات قرآن بر اساس یافته‌های علوم تربیتی تلقی شده است (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۴).

مرور تعاریفی تفسیر تربیتی در متون این حوزه، نشان می‌دهد غالب آنها، تفسیر تربیتی را ناظر به استخراج نکات تربیتی آیات قرآن کریم و شرح و بسط آنها می‌دانند و تفاوت تعاریف، معمولاً به محدوده و عمق چنین مواجهه‌ای اشاره دارد؛ مثلاً، برخی تعاریف بر استخراج این نکات با نظر به عناصر نظام تربیتی و برخی دیگر بر استفاده از داده‌های علوم تربیتی در این مسیر تأکید می‌کنند. با بررسی تعاریف مختلف مطرح شده می‌توان گفت که تفسیر تربیتی، حوزه‌ای است که تلاش می‌کند به صورت روشمند، دیدگاه‌(های) معینی را از تعلیم و تربیت و مسائل آن، بر اساس آیات و روایات ارائه دهد.

علاوه بر آثاری که تعاریف گوناگونی از تفسیر تربیتی عرضه کرده‌اند، آثار متنوع تفسیری و پژوهشی نیز در این زمینه، نوشته شده است. برخی از این منابع، کتب تفسیری هستند که با رویکرد تربیتی به قرآن مراجعه کرده‌اند. الباز (۱۴۲۸ هـ.ق.)، نویسنده‌ی کتاب تفسیر التفسیر التربوی للقرآن الکریم، برای

این منظور، معانی کلمات، اهداف و محتوای تربیتی و نکات و پیام‌های تربیتی آیات را بررسی کرده است. نخستین تفسیر تربیتی، اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی قرآن کریم عنوان کتاب تفسیری دیگری است که میرزاخان (۱۳۶۹) نوشته است. این کتاب، حاوی تفسیر سوره‌های حمد و بقره تا آیه ۳۹ است. مؤلف ذیل آیات، نکات و برداشت‌های عمومی، تربیتی و گاه عرفانی و اخلاقی را هم بیان کرده است. دسته‌ی دیگر، منابع پژوهشی هستند که می‌توان طیف گوناگونی از منابع را در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله یافت که در ادامه، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. پایان‌نامه‌ای با عنوان جریان‌شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر قرآن توسط کاظمی (۱۳۹۲) نوشته شده است. در این اثر، مبنای تفسیر تربیتی، تفاسیر تربیتی، تفاسیر جامع با رویکرد تربیتی و هدایتی مطرح شده است. اسعدی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مدل روشی تفسیر تربیتی انجام داده است. در این رساله پس از بیان کلیات، چستی تفسیر تربیتی، رسالت‌ها و ویژگی‌های نگرشی و ابزارهای تفسیر تربیتی بررسی شده است. واژه‌ی «چستی» در عنوان فصل، بیش از آنکه به معنای ماهیت باشد، به بررسی تعاریف شباهت دارد؛ زیرا پژوهشگر با فراخوانی برخی تعاریف تفسیر تربیتی، نقاط قوت و ضعف آنها را طرح و در پایان تعریف مختار خود را بیان کرده است. اعرافی (۱۳۹۳) در کتابی متشکل از پنج بخش و یک پیوست، درباره‌ی تفسیر تربیتی قلم زده است. این کتاب، بخش ویژه‌ای را به چستی و ماهیت تفسیر تربیتی اختصاص داده است و موضوعات مطرح‌شده، هرچند درباره‌ی تفسیر تربیتی بوده است؛ اما بیش از آنکه متوجه چستی آن باشد، به مباحثی مانند روش‌شناسی، قلمرو و وظایف آن پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «چستی تفسیر تربیتی مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش در تفاسیر و علوم تربیتی» از سوی ایزدی و تجری (۱۳۹۵) نگاشته شده است. آنچه در این اثر، از آن با عنوان چستی تفسیر تربیتی یاد شده است، غالباً به مرور تعاریف از تفسیر تربیتی و بررسی آنها اختصاص یافته است.

بررسی منابع منتشرشده در حوزه‌ی تفسیر تربیتی نشان می‌دهد علی‌رغم مدت زمانی نسبتاً طولانی که از طرح این موضوع می‌گذرد، هنوز از چستی و ماهیت آن غافل مانده‌اند. صاحب‌نظران و پژوهشگران این قلمرو، بیش از آنکه به ماهیت آن نظر داشته باشند، به موضوعات پیرامونی آن توجه کرده‌اند. لذا پرداختن به ماهیت تفسیر تربیتی، جهت حصول شناخت دقیقی از آن ضروری است. پژوهش پیش‌رو، با هدف بررسی ماهیت تفسیر تربیتی انجام شده است. پیش از ورود به بحث، باید گفت آنچه در این پژوهش از مفهوم ماهیت مدنظر است، بر اساس دو دسته‌ی کلی، شامل ویژگی‌های ذاتی و عرضی است. ویژگی‌های ذاتی، خصایصی هستند که قوام موضوع به آنهاست و از ذات موضوع، خارج نیستند و قوام ماهیت به آنها وابسته است (مظفر، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷، شیروانی، ۱۳۸۳، ص ۴۵). در مقابل، ویژگی‌های عرضی، از ماهیت موضوع، خارج هستند و بر موضوع حمل می‌شوند (مظفر، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

علاوه بر غفلت از توجه به ماهیت تفسیر تربیتی که اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را توجیه می‌کند؛ می‌توان به رابطه‌ی میان علوم تربیتی به‌طور اعم و تربیت اسلامی به‌طور اخص، با تفسیر تربیتی اشاره کرد. بدون شک، علوم تربیتی اسلامی و تربیت اسلامی، از حوزه‌های بسیار مهمی است که توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. تفسیر تربیتی نیز، مدخل مطلوبی برای پیشبرد این حوزه در مسیر درست آن است. از این‌رو، شناسایی ماهیت تفسیر تربیتی می‌تواند گامی در استفاده‌ی مؤثر از

آن، در رشته‌ی علوم تربیتی باشد. افزون بر این، پرداختن به ماهیت تفسیر تربیتی می‌تواند مباحث علمی این حوزه را، به سطوح عمیق‌تر و جدیدتری وارد کند و موضوعات و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آن بگشاید. این پژوهش، ماهیت تفسیر تربیتی را در دو گام بررسی می‌کند: در گام اول، بر اساس دیدگاه‌های موجود از تفسیر تربیتی که در پژوهش دیگری (امین‌خندقی و جعفرنیا، مقاله‌ی زیر چاپ) شناسایی و بازنگری شده است، ماهیت تفسیر تربیتی در وضع موجود تعیین می‌شود و در ادامه، ماهیت تفسیر تربیتی، با نظر به گونه‌شناسی جدید از آن تعیین می‌شود. البته، توضیحات مختصری از این طبقه‌بندی‌ها، در خلال مباحث و به اقتضای موضوع مطرح می‌گردد. گونه‌شناسی‌های موجود، بازنگری شده و گونه‌شناسی‌های جدید از تفسیر تربیتی در قالب شکل ۱ نشان داده می‌شود تا مبنای مباحث بعدی باشد.

کاطمی و صالحی: موضوعی/ تربیتی/ پژوهش تطبیقی	۱. استخراج و شرح نکات تربیتی ۲. مقایسه و تطبیق با یافته‌های سایر علوم ۳. چهره‌گشایی از حقایق قرآن ۴. تأیید گزاره‌های قرآن/علوم تربیتی ۵. استخراج عناصر تربیتی ۶. نظریه‌پردازی		۱. عدم وضوح معنا ۲. مضامین اخلاقی ۳. تعیین عناصر نظام تربیتی ۴. مضامین تربیتی جامعه ۵. موضوعات جدید تربیتی ۶. مفهومی با ابعاد گوناگون ۷. تربیت به مثابه‌ی دانش
اسعدی: عام، اخص، خاص، اخص/ تربیتی، موضوعی			
احسانی و همت‌بناری: تربیتی/ موضوعی/ تلفیقی/ میان‌رشته‌ای/ تطبیقی			
هاشمی علی‌آبادی: حداکثری/ حداقلی/ برون‌متنی ۱ و ۲	بدون دخل و تصرف	معیار هدف تفسیر تربیتی	
ناطق: حداکثری/حداقلی ۲		معیار معنای تربیت	
معیار شمول آیات شامل: • موضوعی/ تربیتی		طبقه‌بندی‌های جدید	
معیار شمول آیات شامل: • موضوعی/ تربیتی	بعد از بازاندیشی	معیار منبع تفسیر تربیتی	۱. فقط قرآن کریم ۲. قرآن و روایات ۳. قرآن و علم تربیت ۴. قرآن و فلسفه تربیتی
معیار برداشت از معنای تربیت شامل: • خاص • اخص • میان‌رشته‌ای	معیار شیوه تفسیر شامل: • درون‌متنی • برون‌متنی	معیار جایگاه علم تربیت در تفسیر	۱. علم تربیت برای تأیید گزاره‌های قرآنی ۲. علم تربیتی برای تأیید توسط آیات قرآن ۳. علم تربیت برای رمزگشایی از آیات قرآن

شکل ۱. باهم‌نگری گونه‌شناسی موجود و جدید از تفسیر تربیتی (امین‌خندقی و جعفرنیا، مقاله‌ی زیر چاپ)

ماهیت تفسیر ترتیبی ناظر بر دیدگاه‌های موجود پس از بازنگری

در منابع گوناگون، انواع مختلفی از تفسیر ترتیبی مطرح شده است. احصاء و بررسی این گونه‌ها، نشان می‌دهد که می‌توان آنها را، ذیل سه معیار اصلی (شمول آیات، برداشت از معنای تربیت و شیوهی تفسیر) قرار داد. بر این اساس، گونه‌شناسی تفسیر ترتیبی را، بر مبنای دیدگاه‌های موجود و پس از بازنگری آنها، می‌توان به شرح مندرج در جدول ۱ نمایش داد.

ردیف	معیار طبقه‌بندی	انواع تفسیر ترتیبی در طبقه‌بندی‌های موجود
۱	شمول آیات	ترتیبی (تفسیر ترتیبی حداکثری و اعم) موضوعی (تفسیر ترتیبی حداقلی و عام)
۲	برداشت از معنای تربیت	خاص-اخص-میان‌رشته‌ای
۳	شیوهی تفسیر	درون‌متنی-برون‌متنی

جدول ۱. دیدگاه‌های بازنگری شده در باب تفسیر ترتیبی

در ادامه، بر اساس انواع تفسیر ترتیبی و بر اساس مهم‌ترین ویژگی‌های هرگونه، ماهیت تفسیر ترتیبی ذیل هر نوع معین می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر ترتیبی ترتیبی

تفسیر ترتیبی ترتیبی، تمام آیات قرآن را دارای اهداف تربیتی قلمداد می‌کند؛ زیرا معتقد است قرآن، کتاب تربیت است؛ بنابراین، تفسیر ترتیبی معمولاً به ترتیب قرآن موجود یا ترتیب نزول آن انجام می‌شود (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱). هدف این گونه تفسیر، استخراج پیام‌های تربیتی از همه‌ی آیات قرآن است (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۴). برای تفسیر ترتیبی ترتیبی، می‌توان سه گونه‌ی اصلی را شناسایی کرد: تفسیر ترتیبی ترتیبی تنزیلی که در آن بر اساس نزول آیات، تفسیر صورت می‌گیرد؛ تفسیر ترتیبی ترتیبی مصحفی که پیام‌ها و گزاره‌های تربیتی تمام آیات، با نگاه غالب ترتیبی، تفسیر می‌شود و تفسیر ترتیبی اعم که در نظر گرفتن معارف تربیتی قرآن در معنای عام و استخراج پیام‌های تربیتی از همه آیات است (همان، ص ۵۰).

بنا بر آنچه مطرح شد، مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصیصه‌های تفسیر ترتیبی ترتیبی در ادامه توضیح داده می‌شود:

۱. اعتقاد به تربیتی بودن تمام آیات قرآن: معتقدان به این دیدگاه، قرآن را کتاب تربیت و هدایت می‌دانند و بر این باورند که تفسیر ترتیبی، با همه آیات قرآن سروکار دارد؛ به عبارت دیگر، این گونه از تفسیر ترتیبی به معنای آن است که همه‌ی آیات قرآن، مضمون تربیتی دارند و قرآن پیش از آنکه کتاب سیاسی یا اقتصادی یا فقهی یا جامعه‌شناسی و یا انسان‌شناسی باشد، تربیتی است؛ لذا تفسیر ترتیبی، همه‌ی آیات قرآن را شامل می‌شود (هاشمی‌علی‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۳).

۲. تفسیر ترتیبی همه‌ی آیات به ترتیب نزول و یا بر اساس مصحف شریف: هر چند تمام پیروان تفسیر ترتیبی ترتیبی، درباره‌ی تربیتی بودن همه‌ی آیات قرآن و به تبع آن، تفسیر ترتیبی کل قرآن کریم اتفاق نظر دارند، برخی بر این باورند که این تفسیر باید به ترتیب مصحف یا به عبارتی، به ترتیب همین قرآنی باشد

که امروزه وجود دارد؛ اما برخی، نوع دیگری از تفسیر تربیتی را که در آن، آیات به ترتیب نزول، تفسیر می‌شوند، بیان کرده‌اند (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱۷؛ اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۶؛ کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

۳. تمرکز بر استخراج پیام‌های تربیتی از همه‌ی آیات: طبق این ویژگی، مفسر در مواجهه با هر آیه، تلاش می‌کند پیام و نکات تربیتی موجود در آن را به دست آورد (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱۷؛ کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۴۳؛ ناطقی، ۱۳۸۷، ص ۲)؛ بنابراین، خروجی کار مفسر به این شکل خواهد بود که برای تمام آیات قرآن کریم، پیام‌ها و نکات تربیتی، به ترتیب نوشته شده است و دستاورد آن، کتابی خواهد بود مملو از نکات و پیام‌های تربیتی قرآن کریم که معمولاً بر اساس مصحف شریف نظم و ترتیب یافته است.

۴. کشف و برجسته کردن ابعاد تربیتی آیات در مسائل مهم تربیت مانند مبانی، اصول و روش‌ها: مفسر چه به ترتیب مصحف و یا به ترتیب نزول، به تفسیر آیات قرآن اقدام کند، در مواجهه با هر آیه، سعی می‌کند ابعاد تربیتی آن را استخراج و بررسی نماید. او می‌تواند این ابعاد را در قالب اصول تربیتی، مبانی تربیتی، روش‌های تربیتی و غیره در سراسر قرآن گردآوری و دسته‌بندی کند (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). این خصیصه، جزء ویژگی‌های عرضی این نوع تفسیر است؛ به این معنا که مفسر می‌تواند به استخراج پیام‌ها و نکات تربیتی قرآن که جزء ویژگی‌های ذاتی این‌گونه است مبادرت کند، بدون آن‌که به استخراج مبانی، اصول، روش‌ها و غیره بپردازد؛ بنابراین، اگر مفسری به استخراج این عناصر بپردازد، فراتر از ذات تفسیر تربیتی که استخراج نکات تربیتی قرآن است، حرکت کرده.

۵. تمرکز بر استخراج الگوی تربیتی یا نظام جامع تربیتی از قرآن: چون در این نوع از تفسیر تربیتی، پیام‌ها و نکات تربیتی همه‌ی آیات قرآن کریم به دست می‌آید، بستری فراهم می‌شود که بتوان بر اساس آن، الگو یا الگوهای تربیتی قرآن را به دست آورد و یا در سطحی دیگر، نظام جامع تربیتی قرآن را ترسیم کرد (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۳). این خصیصه نیز جزء خصایص عرضی تفسیر تربیتی تربیتی است؛ بدین معنا که لزوماً استخراج نکات و پیام‌های تربیتی آیات قرآن کریم، منجر به استخراج نظام تربیتی جامع قرآن نمی‌شود.

مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر تربیتی موضوعی

در تفسیر تربیتی موضوعی، مفسر، ابتدا به جمع‌آوری آیات مربوط به موضوع معین می‌پردازد و پس از دسته‌بندی روشمند، آنها را تفسیر و تبیین می‌کند (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳)؛ به عبارت دیگر، تفسیر موضوعی به معنای فراهم آوردن آیات هم‌مضمون و دسته‌بندی مجموع آن آیات و بحث و بررسی آنهاست (جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). مفسر، موضوعات را بر پایه‌ی اهداف و مقاصد قرآنی، از خلال یک سوره یا بیشتر بررسی می‌کند (مسلم، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴) و لذا این نوع تفسیر، گونه‌ای از تفسیر تربیتی است که اعتقاد دارد تنها برخی از آیات قرآن، اهداف تربیتی دارند؛ بنابراین، مفسر در سراسر قرآن، به دنبال آیات تربیتی و تفسیر و تبیین آنها است. این تفسیر به دنبال استخراج نظر جامع‌الاطراف و دقیق قرآن درباره‌ی موضوعات زنده‌ی عصر است (جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳) و به بیان معنای آیات و استنباط و استخراج عناصر آنها و ارتباط میان‌شان می‌پردازد.

برای تفسیر تربیتی موضوعی، می‌توان اشکال متفاوتی را برشمرد: پژوهشگر، واژه‌ای از واژگان قرآن

کریم را بررسی می‌کند و آیاتی که آن واژه یا مشتقاتش در آنها آمده‌اند، گرد هم می‌آورد؛ در حالت دیگر، موضوعی از میان سوره‌های قرآن بررسی می‌شود و آیاتی که به آن موضوع پرداخته‌اند، استخراج می‌شود و پژوهشگر مقدمه‌ای را درباره‌ی شیوه‌ی قرآن در بررسی اندیشه‌ها و آموزه‌های موضوع پیش فرستد؛ نوع سوم همانند نوع دوم؛ اما محدوددهاش تنگ‌تر است. در این نوع، از هدف بنیادین در یک سوره بحث می‌شود. این هدف، محور بنیادین تفسیر موضوعی در سوره است (مسلم، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

مهم‌ترین خصیصه‌های تفسیر تربیتی موضوعی را می‌توان در قالب ویژگی‌های زیر مطرح کرد.

۱. تنها برخی از آیات قرآن اهداف و پیام تربیتی دارند: تفسیر تربیتی موضوعی، مبین آن است که تنها برخی از آیات قرآن، اهداف تربیتی دارند و لذا تفسیر تربیتی، شامل همه‌ی آیات قرآن نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، تفسیر قرآن بر اساس موضوعات مشخصی صورت می‌گیرد و تفسیر آیات از ابتدا تا انتها مدنظر نیست؛ بلکه مفسران با محور موضوعات از پیش تعیین شده، به تفسیر می‌پردازند (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۶). ناطقی در دیدگاه حداقلی، بیان می‌کند که تنها بخشی از آیات قرآن، هدف تربیتی دارند و قابل تفسیر تربیتی هستند (ناطقی، ۱۳۸۷، ص ۲). اسعدی نیز تفسیر تربیتی عام را، رویکردی معرفی می‌کند که صرفاً آیات اخلاقی، تربیتی، عرفانی را شرح و بسط می‌دهد و زوایای آن را برجسته می‌کند و در کشف پیام‌های تربیتی از آیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره دغدغه‌ای ندارد (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۰).

۲. گردآوری آیات پراکنده در سوره‌های قرآن که در لفظ و معنا (آیات هم‌مضمون) مربوط به موضوعی واحدند و دسته‌بندی روشمند و تفسیر و تبیین آنها: بر اساس ویژگی پیش‌گفته، ویژگی دوم جلوه‌گر می‌شود. این ویژگی اشاره دارد به آن‌که مفسر بر اساس موضوع خاصی که به دنبال آن است؛ یعنی به‌طور کلی تربیت و به‌طور جزئی، موضوعات ذیل تربیت، تمام آیات مرتبط با آن را، از سراسر قرآن جمع‌آوری می‌کند و بعد از دسته‌بندی روشمند، به تفسیر و تبیین آنها می‌پردازد. ممکن است این آیات هم‌مضمون، هر کدام در سوره‌ای از قرآن باشد و مفسر وظیفه دارد آنها را گردآوری کند.

۳. استخراج نکات و شرح و تفسیر آیات تربیتی: مفسر پس از آن‌که آیات مرتبط با موضوع معینی را گردآوری کرد، نکات و تفسیر آنها را استخراج می‌کند؛ به عبارت دیگر، تفسیر تربیتی موضوعی با گردآوری آیات آغاز می‌شود و با استخراج نکات و شرح آنها ادامه پیدا می‌کند؛ بنابراین، یکی از خصایص ذاتی این دیدگاه، استخراج نکات و شرح آنها از آیات هم‌مضمون است. صالحی (۱۳۸۸، ص ۱۸) دیدگاه موضوعی را طرح کرده است که در نهایت به دنبال استخراج نکات و شرح و تفسیر آیات است.

۴. بررسی موضوعی در میان سوره‌های قرآن و استنباط عناصر و بن‌مایه‌های موضوع: مفسر پس از گردآوری آیات هم‌مضمون درباره‌ی یک موضوع، به دنبال استخراج عناصر و بن‌مایه‌های آن است. این ویژگی از خصایص عرضی تفسیر تربیتی موضوعی است؛ به این معنا که مفسر می‌تواند پا را از استخراج نکات تربیتی فراتر گذاشته و آنها را در قالب عناصر و بن‌مایه‌های موضوعی قرار دهد. البته این ویژگی در منابع موجود، بیش از این مقدار، شرح و بسط نیافته است.

۵. منظومه‌سازی آیات: اسعدی دیدگاه موضوعی را، توقف مفسر هنگام مواجهه با یک موضوع مهم تربیتی و گردآوری، منظومه‌سازی و نتیجه‌گیری از آیات مربوط معرفی کرده است (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

منظومه‌سازی آیات، با روش موضوعی، قابل اجراست و باید در موضوعی مشخص نظیر تربیت اخلاقی و یا یکی از زیر موضوعات آن، آیات مرتبط را دسته‌بندی کرد و در یک ساختار منطقی قرار داد تا به اندیشه‌ی مدنظر قرآن و اسلام در آن باره رسید. به نظر می‌رسد منظومه‌سازی، چیزی شبیه گردآوری آیات باشد؛ با این تفاوت که نوعی نظم‌بخشی به آیات وجود دارد. این ویژگی نیز جزء خصایص عرضی تفسیر تربیتی موضوعی قلمداد می‌شود که قوام ماهیت تفسیر تربیتی موضوع بدان وابسته نیست.

۶. استخراج نظر جامع‌الاطراف و دقیق قرآن درباره‌ی موضوعات زنده‌ی عصر: طبق این ویژگی، تفسیر تربیتی می‌تواند مبادرت به استخراج نظر جامع‌الاطراف و دقیق قرآن درباره‌ی موضوعات جدید کند. درباره‌ی ذاتی یا عرضی بودن این خصیصه، به راحتی نمی‌توان نظر داد؛ زیرا بسیاری از صاحب‌نظران، این‌گونه تفسیر تربیتی را، در ارتباط تنگاتنگ با موضوعات عصری و معاصر می‌دانند. برخی دیگر نیز معتقدند می‌توان موضوعات را، بدون توجه به محیط پیرامونی و از خود قرآن استخراج کرد.

مهم‌ترین خصیصه‌های تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای

چون علوم تربیتی از شاخه‌های میان‌رشته‌ای علوم انسانی است که از یافته‌های رشته‌های دیگر مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و غیره بهره می‌جوید، باید تفسیر قرآن کریم با این نگرش، با چنین شیوه‌ای انجام پذیرد (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۷). مقصود از میان‌رشته‌ای این است که یک مسئله، از دیدگاه دو یا چند دانش بررسی شود و از آن‌جا که بسیاری از موضوعات قرآنی، چند تباری هستند و در علوم مختلف ریشه دارند، لازم است که به‌صورت میان‌رشته‌ای مورد تحقیق قرار گیرند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸).

مهم‌ترین خصیصه‌های این دیدگاه را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. کفایت نداشتن نگاه یک‌سویه به دانش تعلیم و تربیت یا علوم قرآن: از این منظر، موضوعات تربیتی مطرح‌شده در قرآن، ماهیت چندوجهی دارند؛ بنابراین، ضروری است مفسر در تفسیر تربیتی، از نگاه یک‌سویه به آنها خودداری کند.

۲. بررسی یک مسئله از دیدگاه دو یا چند دانش: از این منظر، موضوع مورد بررسی، از دیدگاه دو یا چند دانش تفسیر می‌شود. معمولاً برای بررسی همه‌جانبه‌ی موضوعات چندوجهی و چندتباری، لازم است آنها از دیدگاه چند دانش بررسی شوند. در این دیدگاه، به سبب آنکه علوم تربیتی، یک رشته‌ی چندوجهی تصور می‌شود که موضوعات آن معمولاً در دانش‌های دیگر هم ریشه دارند، تفسیر تربیتی، به بررسی یک موضوع از دیدگاه دو یا چند رشته می‌پردازد (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۷)؛ بنابراین، از جمله ویژگی‌های ذاتی تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای، بررسی موضوعات تربیتی از منظر چندین دانش است.

۳. فراهم‌سازی زمینه‌ی تفسیر تربیتی همه‌جانبه: چون نگاه یک‌سویه به دانش تعلیم و تربیت یا علوم قرآن نمی‌تواند انتظار دانش‌پژوهان رشته‌های مختلف را برآورد، تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای با توسل به علوم مختلف، زمینه‌ی تفسیری همه‌جانبه را فراهم می‌سازد.

۴. جهت‌دهی به مبانی علوم تربیتی: در بسیاری از آیات، مبانی و اصول و قوانین علوم مختلف بیان شده است که می‌توان از آنها در نظام‌سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی و مبانی علوم استفاده کرد

(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷)؛ بنابراین، یکی از ویژگی‌های عَرَضی تفسیر تربیتی میان‌رشته‌ای، آن است که مفسر، مبانی علوم تربیتی را از قرآن اخذ کند. دلیل این‌که این ویژگی، ذاتی قلمداد نشده است، آنست که ممکن است موضوعی تربیتی در قرآن، از منظر چند رشته تفسیر شود؛ اما مبانی رشته‌ی علوم تربیتی از آن اخذ نشود و مفسر به این ویژگی نظر نداشته باشد.

مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر تربیتی خاص و اخص

پیش از توضیح درباره‌ی این دو نوع تفسیر تربیتی، باید اشاره کرد این دو، در پیشینه و متون این حوزه، تنها در اثر اسعدی (۱۳۹۴، ص ۵۱) مطرح شده‌اند؛ ضمن آن‌که در همان اثر نیز، به‌طور واضح و مبسوط بیان نشده‌اند.

تفسیر تربیتی خاص، رویکردی تخصصی است که آیات قرآن را از زاویه‌ی علوم تربیتی می‌نگرد و بر هر آنچه از قرآن که با علوم تربیتی مرتبط است، تأکید می‌کند. تفسیر تربیتی اخص، رویکردی است که از زاویه‌ی مباحث تخصصی تعلیم و تربیت، به آیات قرآن می‌نگرد؛ اما مباحث تخصصی این دانش را، نه در حوزه‌ی تمام علوم تربیتی که تنها بر اساس محورهای نظام تعلیم و تربیت، مانند مبانی، اصول، روش‌ها، موانع، زمینه، عوامل، آسیب‌ها و اهداف را بررسی می‌کند و هدف آن، کشف نظام تربیتی بر محور قرآن و نیز تبیین نظریه‌ی تربیتی قرآن است. این شیوه تاکنون، عمدتاً به کمک تفسیر موضوعی صورت گرفته است و ارائه‌ی آن به کمک تفسیر تنزیلی و ترتیب مصحفی، پیشینه‌ای ندارد (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر تربیتی برون‌متنی یا علمی

فهد رومی تفسیر علمی را اجتهاد مفسر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی می‌داند، به‌طوری که اعجاز قرآن، آشکار و ثابت شود آن از طرف خدا صادر شده است و برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها صلاحیت دارد؛ به‌عبارت دیگر، تفسیر تربیتی برون‌متنی، استخدام علوم در فهم بهتر آیات تربیتی قرآن است؛ یعنی منابع علوم تجربی قطعی، ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآیند و بدین منظور، تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحلیل یا استخراجی صورت نگیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۲)؛ بنابراین، هرگاه از داده‌های علمی در جهت تفسیر تربیتی قرآن استفاده شود، تفسیر تربیتی برون‌متنی شکل می‌گیرد. در این نوع، موضوعات نو در عرصه‌ی تعلیم و تربیت، با هدف کشف نظریه‌ی اسلام درباره‌ی آن عرضه می‌شود (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۶). اشکال و گونه‌های تفسیر علمی قرآن را، می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

الف. استخدام علوم و بهره‌گیری از آن، برای فهم و تبیین بهتر قرآن: یکی از وجوه تفسیر برون‌متنی، بهره‌گیری از قطعیات دانش بشری به منظور تبیین جنبه‌های علمی قرآن است. مواردی که مفسر به مدد یافته‌های قطعی علمی به توضیح و شرح آیات قرآنی پرداخته و از این جنبه از اعجاز قرآن پرده‌برداری کرده و علم را در استخدام فهم قرآن قرار داده است. مفسر، از تحلیل فرضیه‌ها و قوانین ناستوار و غیرثابت علمی در تفسیر قرآن پرهیز می‌کند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). این شیوه‌ی تفسیر علمی،

بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۷).
ب. تحمیل و تطبیق یافته‌های علمی با قرآن: برخی مفسران تلاش کرده‌اند با اعتماد بیش از حد به آرای علمی، آیات قرآن را با آنها برابر سازند و به انطباق این دو بپردازند. برابری نظریه‌های علمی غیرمسلّم با قرآن، مشکل بزرگی بوده است که گریبان‌گیر چنین تفاسیری شده و در نهایت، به تفسیر به رأی منجر خواهد شد (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴-۲۵).

ج. اندیشه‌ی جامعیت قرآن نسبت به همه‌ی علوم بشری: این تفسیر بر این پیش‌فرض مبتنی است که قرآن، جامع همه‌ی علوم بشری است. در بسیاری از موارد، از ظاهر الفاظ قرآن و معانی لغوی آن غفلت می‌شود. بر همین اساس، می‌توان دو دیدگاه عمده در تفسیر تربیتی برون‌متنی احصا کرد. دیدگاه افراطی که در آن قوانین علمی، اصل و آیات قرآن، فرع واقع می‌شوند و دیدگاه اعتدالی که در آن، ضمن توجه به رسالت اصلی قرآن و نقش هدایتی آن، جنبه‌ی احتیاط و احتمال رعایت می‌شود (همان).

البته آفاتی گریبان‌گیر این نوع از تفسیر تربیتی است؛ به عنوان نمونه، معیار قرار دادن یافته‌های علمی در تفسیر معنای آیات؛ دور شدن از بعد هدایتی و تربیتی قرآن؛ مبتلا شدن به تفسیر به رأی و تحمیل نظریات بر قرآن و بی‌توجهی به اعجاز ادبی و بلاغی؛ بی‌توجهی به خواسته‌ها، اعتقادات و افکار و اندیشه‌های عصر نزول، از بارزترین موارد لغزش حرکت افراد در تفسیر علمی قرآن است (علوی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۳۳۶). هرچند اثبات اعجاز علمی قرآن، اهمیت دین و قرآن بر علم، آسان‌تر شدن فهم قرآن و روشن نمودن تعارض نداشتن دین و علم نیز از امتیازات مهم آن به‌شمار می‌رود. بر اساس آنچه درباره‌ی این تفسیر تربیتی به دست می‌آید، مهم‌ترین ویژگی‌های آن از این قرار است:

۱. تطبیق نظرات علمی ثابت‌شده‌ی علوم تربیتی با قرآن و تعیین صحت و سقم آنها: مفسر در این گونه از تفسیر تربیتی، با تسلط بر یافته‌های علم تربیت، آن دسته از داده‌هایی را که قطعی و اثبات‌شده هستند، با آیات قرآن تطبیق می‌دهد. نکته‌ای که در این ویژگی اهمیت دارد، آن است که داده‌های علم تربیت با آیات تطابق داده می‌شود و مفسر، اجازه‌ی تطبیق آیات قرآن با داده‌های علمی را ندارد. وی می‌تواند از قبل تطبیق داده‌های علمی با آیات قرآن، در باب صحت و سقم آنها سخن بگوید.

۲. استفاده از داده‌های علوم تربیتی برای فهم بهتر آیات و رموز نهفته در آنها: این ویژگی، ناظر بر استخدام علوم در جهت فهم بهتر آیات قرآن است. مدافعان این دیدگاه بر این باورند که برخی آیات قرآن دارای موضوعاتی است که علوم بشری می‌تواند فهم آنها را آسان‌تر کند.

۳. عرضه‌ی پرسش‌های عصری و جدید و معضلات تربیتی جامعه بر قرآن و تعیین موضع آن: تفسیر تربیتی برون‌متنی، غالباً به موضوعات جدید و معاصر مرتبط می‌شود. این ویژگی که جزء ویژگی‌های ذاتی تفسیر برون‌متنی قلمداد می‌شود، به عرضه مسائل و مشکلات تربیتی محیط پیرامونی که در حال حاضر گریبان‌گیر جامعه است، به قرآن اشاره دارد تا با بررسی‌های مفسر، نظر قرآن درباره‌ی آن موضوع یا مشکل استخراج شود؛ به عبارت دیگر، آنچه ماهیت این‌گونه تفسیر تربیتی را شکل می‌دهد، اخذ موضوعات تفسیری وسیعی، در حل مشکلات جامعه است.

مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر تربیتی درون‌متنی

تفسیر درون‌متنی، گونه‌ای از تفسیر تربیتی است که طبق آن، موضوعات را از متن قرآن به دست می‌آورند و آنها را بررسی و سپس به نتیجه‌ی موردنظر می‌رسند. در این شیوه، حکم و موضوع را از متن قرآن به دست می‌آورند و آیات پیرامون آن را از سراسر قرآن گردآوری و تحلیل می‌کنند. تفسیر تربیتی درون‌متنی، بر گزاره‌های قرآنی و توجه نکردن به غیر قرآن، مبتنی است (احسانی و همت‌بناری، ۱۳۸۷، ص ۶). این شیوه، به دنبال حصول دیدگاه قرآن درباره‌ی موضوعات تربیتی مصرح (اسعدی، ۱۳۹۴، ص ۷۰) و اخذ مفاهیم تربیتی از خود قرآن (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱۹) است. مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر تربیتی درون‌متنی در ادامه شرح داده می‌شود:

۱. ابتدا بر گزاره‌های قرآنی و بی‌توجهی به غیر قرآن: برخلاف تفسیر تربیتی برون‌متنی که بر موضوعات معاصر و معضلات جامعه تأکید دارد و این موضوعات را از خارج از قرآن، اخذ و آنگاه برای تعیین موضع، به قرآن مراجعه می‌کند، تفسیر تربیتی درون‌متنی، تمرکز خود را صرفاً بر قرآن قرار می‌دهد و با رجوع به قرآن و تکیه بر گزاره‌های قرآنی- به دلیل جامعیت و اعجاز قرآن که در هر عصر و زمان کاراست- نیاز به رجوع به غیر قرآن را مرتفع می‌کند.

۲. استخراج حکم و موضوع از متن قرآن و گردآوری و تحلیل آیات پیرامون آن از سراسر قرآن: در این شیوه، مفسر، موضوعی خاص را که در قرآن طرح شده است، مبنا قرار می‌دهد و سپس بر اساس آن، آیات مربوط را گردآوری و در نهایت، درباره‌ی مسئله موردنظر، حکم قرآن را به دست می‌آورد.

۳. اخذ مستقیم مفاهیم تربیتی از قرآن: بر این اساس، مفسر بر اساس مفاهیمی که مثلاً در علم تربیت وجود دارد، تفسیر خود را مبتنی نمی‌کند؛ بلکه تلاش او در جهت آن است که بر اساس مفاهیم تربیتی که در قرآن وجود دارد، تفسیر تربیتی انجام دهد و یا این واژه‌ها را از دل قرآن بیرون بکشد.

ماهیت تفسیر تربیتی ناظر به گونه‌شناسی جدید آن

پس از تعیین ماهیت تفسیر تربیتی در دیدگاه‌های موجود، در ادامه به تعیین ماهیت تفسیر تربیتی بر اساس گونه‌شناسی جدید آن (امین‌خندقی و جعفرنیا، زیرچاپ) پرداخته می‌شود. گونه‌شناسی جدید تفسیر تربیتی به معنای آن است که در کنار انواع تفسیر تربیتی که در آثار موجود برشمرده شده است، می‌توان گونه‌شناسی‌های جامع و شمول‌گرایانه‌ای از تفسیر تربیتی، بر اساس معیارهای جدید دیگر به دست آورد. این گونه‌شناسی‌های جدید در شکل ۱ به خوبی قابل‌مشاهده است.

در گونه‌شناسی جدید از تفسیر تربیتی بر اساس چهار معیار، طبقه‌بندی نوینی از تفسیر تربیتی مطرح شده است. یکی از این طبقه‌بندی‌ها، بر اساس معیار هدف تفسیر تربیتی است. اساساً تفسیر تربیتی، فعالیتی هدفمند است؛ اما دیدگاه‌ها و افراد مختلف، اهداف متفاوتی برای آن در نظر گرفته‌اند. دسته‌بندی بر اساس این معیار، از آن جهت حائز اهمیت است که اهداف متفاوت، کارکردها، ضرورت‌ها و پیامدهای متفاوتی به دنبال دارند و بسته به اینکه چه هدفی برای تفسیر تربیتی در نظر باشد، افق‌ها و مناظر متفاوتی جلوه‌گر می‌شود. این معیار، فراتر از دیدگاه‌های مختلف مطرح است؛ یعنی ممکن است دو دیدگاه متفاوت، هدف واحدی را برای تفسیر تربیتی بیان کنند؛ لذا این طبقه‌بندی، به دلیل برخورداری

از جامعیت و نیز به خاطر جنس معیار آن که فارغ از چگونگی‌ها، در هر تفسیر تربیتی وجود دارد، مبنای تعیین ماهیت تفسیر تربیتی در این مرحله قرار می‌گیرد. ذیل گونه‌شناسی با معیار هدف تفسیر تربیتی، چند طبقه وجود دارد که در ادامه برای هر یک، مهم‌ترین ویژگی‌های آن مطرح می‌شود.

الف) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف استخراج نکات و پیام‌های تربیتی و شرح آنها

ماهیت اصلی تفسیر تربیتی در این سطح، به اقدام یا عملی اشاره دارد که فارغ از موضوعی یا تربیتی و یا برون‌متنی و درون‌متنی بودن، درصدد است نکات و پیام‌های تربیتی قرآن را استخراج کند. چنین ماهیتی را می‌توان به وضوح در دیدگاه‌های موجود تفسیر تربیتی یافت؛ مثلاً، ناطقی (۱۳۸۷، ص ۲) هدف اصلی تفسیر تربیتی را، استخراج و استنباط نکات تربیتی از آیات می‌داند. برخی، هدف تفسیر تربیتی را در سطحی مشابه، ولی بالاتر از استخراج نکات تربیتی و معطوف به تجزیه و تحلیل آیات می‌دانند. تفسیر تربیتی، موضوعی و درون‌متنی را که احسانی و همت‌بناری (۱۳۸۷، ص ۶) مطرح کرده‌اند، از چنین هدفی پیروی می‌کند. کاظمی (۱۳۹۲، ص ۴۴) ماهیت دیدگاه تربیتی را استخراج نکات تربیتی از آیات می‌داند؛ همچنین، صالحی (۱۳۸۸) دیدگاه‌های تربیتی، موضوعی و نیز رویکرد درون‌متنی را مطرح کرده است که از زیرشاخه‌های رویکرد موضوعی است که هر کدام در نهایت، به دنبال استخراج نکات و شرح و تفسیر آیات هستند. اسعدی (۱۳۹۴، ص ۵۶) دیدگاه تربیتی را مطرح کرده است و سطحی از این دیدگاه را، به استخراج پیام‌ها و گزاره‌های تربیتی تمام آیات اختصاص داده است. لذا، مهم‌ترین ویژگی و خصیصه‌ی این طبقه که در دیدگاه‌های موجود تفسیر تربیتی نیز از فراوانی بالایی برخوردار است، تمرکز بر استخراج نکات و پیام‌های تربیتی از لابه‌لای آیات است؛ به‌عنوان نمونه، در پژوهشی که درباره‌ی پیامدهای تربیتی سلام انجام شده است، با استناد به آیات و روایات، نکات و پیام‌های تربیتی راجع به این موضوع استخراج شده است؛ مثلاً با استناد به آیه ۱۰ سوره فاطر و نیز آیات و روایات دیگر، به این نکته رسیده است که «انسان با سلام کردن، به عملی دست می‌زند که سرور مؤمنان را در برداشته و می‌تواند به عزت و جایگاه والایی، نزد خداوند و افراد جامعه دست یابد (فیاض و انصافی مهربانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱-۱۲).

ب) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف مقایسه و تطبیق

تفسیر تربیتی در این طبقه، ماهیت خود را، از طریق مقایسه و تطبیق به‌دست می‌آورد. احسانی و همت‌بناری (۱۳۸۷، ص ۷) دیدگاه تطبیقی را، شناخت یک پدیده در پرتو مقایسه تعریف کرده‌اند؛ مثلاً، مقایسه‌ی دو مفسر و بررسی تفاوت‌ها و اختلافات آنان. لازم به ذکر است آنچه در این طبقه از اهمیت برخوردار است، صرف مقایسه نیست، بلکه تبلور نظرات جدید به کمک قیاس، مدنظر است. لذا ویژگی اصلی تفسیر تربیتی در این دسته، مقایسه دو یا چند تفسیر است تا در پرتو آن تطبیق، نظرات جدیدی جلوه‌گر شود.

ج) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف چهره‌گشایی از حقایق قرآن

ماهیت تفسیر تربیتی در این مورد، بر چهره‌گشایی از حقایق قرآن، متمرکز است. برخی از صاحب‌نظران

چنین ماهیتی را برای تفسیر تربیتی برشمرده و آن را استفاده از داده‌های رشته‌ی علوم تربیتی، به منظور فهم دقیق‌تر آیات و رموز نهفته در آن می‌دانند؛ برای نمونه، تفسیر برون‌متنی‌ای که هاشمی‌علی‌آبادی (۱۳۹۲، ص ۳) بیان کرده است، چنین ماهیتی را مطرح می‌کند. شاخصه‌ی ماهیت تفسیر تربیتی در این طبقه آن است که به واسطه‌ی تلاش مفسر، آن جنبه‌های تربیتی آیات قرآن رمزگشایی می‌شود که در ظاهر آن، آشکار نیست.

د) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف تأیید گزاره‌های قرآنی

آنچه در این دسته، تعیین‌کننده‌ی ماهیت تفسیر تربیتی است، مقایسه‌ی یافته‌های علمی با آیات قرآن است که در نتیجه‌ی آن، درباره‌ی میزان علمی بودن گزاره‌های قرآنی، حکم می‌شود؛ به عبارت دیگر، به واسطه‌ی نظریات علمی ثابت‌شده، گزاره‌های قرآنی تعبیر و تفسیر می‌شوند. این ماهیت، هرچند برای تفسیر تربیتی، متصور است و پیروانی دارد؛ اما صحیح نیست؛ زیرا اساساً ساحت قرآن، از تأیید و یا تفسیر به واسطه‌ی علمی که از سوی انسان‌ها حاصل شده، مبری است.

ه) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف تأیید داده‌های علوم تربیتی توسط قرآن

بارزترین شاخصه‌ی ماهیت تفسیر تربیتی در این طبقه آنست که داده‌های علوم تربیتی، بر قرآن عرضه شده و صحت و سقم آنها معلوم شود. این ماهیت را در دیدگاه‌های موجود می‌توان ردیابی کرد؛ مثلاً، هاشمی‌علی‌آبادی (۱۳۹۲، ص ۳) دیدگاهی را که از آن به دیدگاه برون‌متنی یاد کرده است، با بررسی این مسئله مرتبط دانسته است که نظرات علمی ثابت‌شده‌ی علوم تربیتی تا چه حد با قرآن تطبیق دارند. از ویژگی‌های دیگر این طبقه آن است که در این فرایند، تولید علم صورت نمی‌گیرد، بلکه آنچه به نام علم تربیت موجود است، بر مبنای قرآن، تأیید و یا رد می‌شود؛ ضمن اینکه قواعد چنین تأیید و یا انکاری، خود بحث مفصلی می‌طلبند.

و) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف استخراج عناصر نظام تربیتی

در این دسته، تمرکز بر استخراج عناصر نظام تربیتی، قوام‌دهنده‌ی ماهیت تفسیر تربیتی است. این عناصر شامل اهداف، اصول، مبانی، روش‌ها و ابزار تربیت است. در این طبقه، ماهیت تفسیر تربیتی آن است که با تفسیر آیات قرآن، عناصر اصلی نظام تعلیم و تربیت، استخراج و نظر قرآن درباره‌ی آنها معلوم شود؛ مثلاً، اسعدی (۱۳۹۴، ص ۵۶) در تفسیر تربیتی به‌ترتیب مصحف، معتقد است هدف تعیین نقش و جایگاه هر آیه در مسائل مهم تعلیم و تربیت، مانند اصول، روش‌ها، مراحل، منابع، عوامل، زمینه‌ها، موانع، آسیب‌ها، الگوها، عبرت‌ها و غیره است؛ به عنوان نمونه، در پژوهش کشاورز و زهری (۱۳۹۳، ص ۱۳۹-۱۵۶)، مبتنی بر آیات قرآن کریم، اهداف، اصول و روش‌های معادباوری بررسی شده است.

ز) ماهیت تفسیر تربیتی با هدف نظریه‌پردازی

چون معنا و مفهوم و ماهیت اصلی و نوآورانه‌ای که برای تفسیر تربیتی در این پژوهش ایده‌پردازی

شده، نظریه‌پردازی است، در ادامه به تفصیل به بیان ماهیت تفسیر تربیتی به مثابه‌ی نظریه‌پردازی می‌پردازیم.

محدودیت‌های ماهیت تفسیر تربیتی در دیدگاه‌های موجود

بررسی محدودیت‌های برآمده از دیدگاه‌های موجود درباره‌ی ماهیت تفسیر تربیتی، به درک بهتر ماهیت تفسیر تربیتی به مثابه‌ی نظریه‌پردازی کمک می‌کند. یکی از این محدودیت‌ها، در نوع نگاه به تفسیر تربیتی و کارکردهای آن است. همان‌طور که بیان شد، طبقات اول تا ششم، غالباً تفسیر تربیتی را، با هدف استخراج نکات و پیام‌های تربیتی از آیات قرآن در نظر می‌گیرند. تفسیر تربیتی معمولاً یا در خدمت تأیید گزاره‌های علمی است و یا در بالاترین سطوح، محملی برای استخراج مبانی، اصول و روش‌های تربیتی است. این نگاه‌ها به تفسیر تربیتی، حاکی از نوعی محدودنگری به تفسیر تربیتی و قابلیت‌های آن است؛ یعنی اگر تفسیر تربیتی را پدیده‌ای با قابلیت‌های مختلف تصور کنیم، این دیدگاه‌ها، به نازل‌ترین و کم‌عمق‌ترین این قابلیت‌ها بسنده کرده‌اند. علاوه بر این، از دیگر محدودیت‌های این نگاه‌ها که در واقع، معلول ترسیم ماهیت محدود برای تفسیر تربیتی است، نگاه تنگ‌بینانه به دستاوردهای تفسیر تربیتی است. در حقیقت، نوع نگاه به تفسیر تربیتی تعیین‌کننده‌ی دستاوردها و تولیدات آن است. وقتی دیدگاه‌ها به تفسیر تربیتی، غالباً پا را از استخراج نکات و پیام‌های تربیتی فراتر نمی‌گذارد، تولیدات این دیدگاه‌ها در بهترین حالت، کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌ها و نوشته‌هایی حاوی پیام‌های تربیتی قرآن است و در حالتی نظام‌یافته‌تر، به ترسیم مبانی و اصول و روش‌های تربیتی قرآنی مبادرت می‌شود. این نکات و پیام‌های تربیتی نیز معمولاً از دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های مفهومی بی‌بهره است. اصول و مبانی برآمده نیز، به دلیل فاصله با زبان متخصصان رشته‌ای، مانند متخصصان تعلیم و تربیت و نیز به دلایل دیگری مانند تکراری بودن، اختلاط با آموزه‌های علمی، بدون توجه به مصادر و ایدئولوژی‌های مبانی، نگشودن افق‌هایی برای پژوهش‌های سلسله‌وار و نیز نداشتن قابلیت استخراج نظریات جامع و قابل‌قبول از قرآن، دچار محدودیت‌ها و کاستی‌های جدی است؛ زیرا معمولاً در این تولیدات، شیوه‌های نظام‌مند و دقیق برای مراجعه به قرآن وجود ندارد. تولیدات این حوزه، عمدتاً از طرح دیدگاه‌های جدید و بدیع عاجز مانده و به شرح و بسط آنچه در سایر منابع تفسیری آمده بسنده می‌کنند؛ به عبارت دیگر، تفسیر تربیتی به جای آن‌که مانند موتور مولدی مدام در حال استخراج و تولید نظریات قرآنی باشد، به چاپگری تبدیل می‌شود که عمدتاً مطالب شبیه به یکدیگر را بازتولید می‌کند و در این میان، آنچه رنگ و بوی خود را از دست می‌دهد، نظریه‌پردازی است؛ تولید نظریات به هم‌پیوسته، جامع، دقیق و زاینده‌ای که آموزه‌های قرآنی را به شکلی ساختارمند، شناسایی و مفهوم‌پردازی کند. بنا بر محدودیت‌ها و نقدهایی که بیان شد و غفلت دیدگاه‌های موجود تفسیر تربیتی از نظریه‌پردازی، در ادامه بناست، ماهیت تفسیر تربیتی به مثابه‌ی نظریه‌پردازی، بیشتر شرح و بسط شود.

لزوم گستردگی نگاه به تعلیم و تربیت اسلامی و تفسیر تربیتی

اگر بنا باشد تفسیر تربیتی مسیری در جهت نظریه‌پردازی باز کند، می‌توان میان دو نوع نگاه به تفسیر

تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی تمایز قائل شد. نگاه اول آن است که تفسیر تربیتی را کنش یا واکنشی به دانش موجود و متعارف تعلیم و تربیت بدانیم؛ یعنی دانش موجود تعلیم و تربیت و رشته‌های وابسته به آن مانند برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت و غیره، به همین شکلی که هست و با همین مسائلی که دارد، قرار است اسلامی شود و تفسیر تربیتی، ابزاری می‌شود تا نظر اسلام و قرآن را درباره‌ی مسائل مطرح در این رشته‌ها به‌دست آورد؛ اما نگاه دوم، به‌نوعی فراکنشی است و تفسیر تربیتی را صورت‌بندی جدید از دانش تعلیم و تربیت و مسائل آن می‌داند؛ یعنی برخلاف نگاه اول که سعی می‌کند دانش موجود را اسلامی کند، این دیدگاه در تلاش است حوزه‌ی معرفتی تعلیم و تربیت را بازسازی کند تا در پی آن، مسائل این حوزه نیز تغییر کند؛ به عبارت دیگر، بر اساس این دیدگاه در تفسیر تربیتی، حتی برخی موضوعات کاملاً جدید در تعلیم و تربیت مطرح می‌شوند که پیش از این و در متون این رشته، به هیچ‌وجه وجود نداشته است و به واسطه‌ی نظریه‌پردازی در تفسیر تربیتی می‌توان از آنها سخن گفت. نگاه دوم به تفسیر تربیتی، در پی اسلامی‌کردن دانش تعلیم و تربیت با تمام اضلاع و ابعادش است. البته یکی از مشکلات اساسی بر سر راه اسلامی کردن دانش تعلیم و تربیت، موضوعات و مسائل روش‌شناختی و نه روشی است. توضیح این‌که میان روش‌شناسی و روش تفاوت‌های جدی وجود دارد. روش‌شناسی حوزه‌ای است که به بررسی منطق زیربنایی روش‌هایی می‌پردازد که به تولید دانش معتبر منتهی می‌شوند (کار، ۲۰۰۲، ص ۲۰). در این لایه از بحث، ماهیت تفسیر تربیتی معطوف به مسائل روش‌شناختی است و در این پژوهش، بیشتر از این منظر به تفسیر تربیتی توجه شده است.

هر کدام از این نگاه‌ها، دستاوردهایی به دنبال دارد و این‌گونه نیست که نگاه کنشی و واکنشی بی‌فایده باشند؛ اما ایدئال‌ترین دیدگاه به‌منظور بهره‌گیری از تفسیر تربیتی در جهت نوسازی مفهوم‌پردازی تعلیم و تربیت و به‌عبارت دقیق‌تر، دست‌یابی به دیدگاهی بدیع از تربیت اسلامی، نگاه فراکنشی است. هرچند در این مسیر، گاهی نگاه‌های کنشی و واکنشی هم لازم‌اند؛ اما آنچه به توسعه و گستردگی مفهومی منجر می‌شود، دیدگاه فراکنشی است. یکی از علل این امر را می‌توان در جنبه‌های نوآورانه، مبدعانه و تأسیسی این نوع نگاه به تفسیر تربیتی و تعلیم و تربیت اسلامی دانست. اگر پیوستاری ترسیم کنیم که در یک‌سوی آن، نگاه‌هایی با رنگ و بوی اقتباسی و در سمت دیگرش، نگاه‌های مبدعانه و تأسیسی قرار داشته باشد، دیدگاه فراکنشی از خاصیت نوآوری بیشتری برخوردار است. علت این امر نیز بر اساس توضیحات مطرح شده، این است که دیدگاه فراکنشی بر این باور است که نباید بر اساس دانش موجود و نگاه محدود به تعلیم و تربیت، به اسلامی کردن آن اقدام کرد؛ بلکه باید کل این حوزه معرفتی را از نو و بر اساس نظرات اسلام، تجدید بنا کرد. در این میان، دانش موجود و دیدگاه‌های واکنشی نقش بسیار مهمی دارند و بسیاری از بخش‌های دانش موجود را می‌توان به خدمت گرفت. البته دیدگاه فراکنشی، در این سطح متوقف نمی‌ماند و در پی تولید مسائل و موضوعات جدید و برخاسته از دین اسلام است. پس باید محدوده‌ی نگاه به دانش تعلیم و تربیت را گسترده‌تر کرد و نوع مواجهه با تفسیر تربیتی برای نومفهوم‌پردازی این دانش را نیز توسعه داد.

نبود نظریات مدون و سازمان‌یافته در مواجهه با مسائل تعلیم و تربیت

هنگامی که با چنین نگاهی به تعلیم و تربیت و تفسیر تربیتی مواجه می‌شویم، روشن می‌شود که اگر قرار باشد نگاه فراکنشی تعقیب شود، در اغلب حوزه‌ها، موضوعات و مسائل تعلیم و تربیت، دیدگاه نظری معینی وجود ندارد. هزاران مسئله‌ی قابل طرح وجود دارد که حتی اگر نوع مواجهه با آنها، از نوع کنشی و واکنشی باشد، باز هم موضع معینی وجود ندارد. در دیدگاه فراکنشی نیز، به طریق اولی، با چنین فقدانی مواجهیم؛ مثلاً نظریه‌ی اسلام درباره‌ی آموزش موضوعات و کتب متفرقه‌ی درسی، دیدگاه سازمان‌یافته و مدون اسلام درباره‌ی مسائل اساسی و فنی در نظام تربیتی مثلاً چگونگی و چرایی ارزشیابی دانش‌آموزان، دخالت دولت در نظام آموزش و پرورش، نحوه‌ی آموزش معارف دینی به فراگیران و هزاران هزار مسئله‌ی دیگر که هرچند شاید بسته و گریخته نظراتی راجع به آنها نوشته شده باشند؛ اما هنوز نظریه‌ی مدون صریح و دقیق اسلام درباره‌ی آنها معلوم نیست. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، بخش مهمی از غفلت‌ها، به غفلت از مسائل فنی و اجرایی بازمی‌گردد. مثلاً اهداف غایی و رویکرد اصلی نظام آموزشی از دیدگاه اسلام، فارغ از کم و کیف آن، تعیین می‌شود؛ اما وقتی وارد نظام آموزشی می‌شویم، نشانی از آن رویکرد در کلاس‌های درس، ارزشیابی‌ها، تدریس‌ها، طراحی‌ها و تدوین‌ها وجود ندارد. این کاستی‌ها ناشی از محدودنگری به دانش تربیت و قلمرو آنست؛ بنابراین یکی از نقدهای جدی به پژوهش‌های حوزه تعلیم و تربیت و علوم قرآن آن است که مسائل بسیاری وجود دارد که هنوز بر اساس آیات و روایات، دیدگاه مدونی راجع به آن‌ها وجود ندارد.

تبیین مفهومی، اولین اقدام در تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی

مسئله‌ی مهم‌ترین هدف و قله‌ی تعلیم و تربیت در مقام تئوریک این است که در تفسیر تربیتی، نظریه‌پردازی تعقیب شود. در تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی، مفهوم‌پردازی از کمترین و اولین اقدامات است. از منابعی که به موضوع ساخت نظریه^۱ پرداخته‌اند، معلوم می‌شود تبیین مفهومی یکی از اقدامات اولیه و مبنایی در نظریه‌پردازی است. وقتی اصطلاحات تعریف شوند، در معانی یکسانی به کار می‌روند و از ایجاد ناسازگاری میان واژگان، جلوگیری می‌شود. همه‌ی نظریه‌پردازان، بر اهمیت «تعریف مفاهیم و مفهوم‌پردازی» متفق‌القول‌اند. سبب این امر، دو مورد است: انتخاب و تعریف اصطلاحات، به تعریف مرزهای موضوعات اساسی^۲ برای کار نظریه‌پرداز کمک می‌کند و نیز استفاده سازگار و همسان از اصطلاحات تعریف‌شده، کار تبیین و پیش‌بینی را آسان‌تر می‌کند (بوشامپ، ۱۹۸۱، ص ۳۱). تبیین مفهومی، به نظریه‌پرداز کمک می‌کند موضع خود را درباره‌ی یک مسئله، معین کند و علاوه بر این، از پراکنده‌کاری و تناقض‌گویی جلوگیری می‌کند؛ به این صورت که مفهوم‌پردازی، موضع نظریه‌پرداز را درباره‌ی یک مفهوم، مشخص می‌کند و به این ترتیب، باعث می‌شود وی به صورت هماهنگ و سازگار، از واژگان استفاده کند و همین امر نیز موجبات ساخت و پرداخت نظریه‌ی دقیق و منسجم‌تری را به وی

¹ theory building

² subject matters

اعطا می‌کند.

این مسئله از آنجا پررنگ‌تر می‌شود و اهمیت بیشتری می‌باید که در تبیین موضوعات و مفاهیم اساسی در دانش تعلیم و تربیت، غالباً موضع مشخصی وجود ندارد. گاهی فرد، به تعریف تربیت اسلامی در مطالعه‌ی خود اقدام می‌کند؛ اما تعریف بسیاری از اصطلاحات دیگر را، مفروض گرفته و موضع معینی در قبال آنها مطرح نمی‌کند و بدین ترتیب، وی از ارائه‌ی نظریه‌ای کاملاً بدیع ناتوان می‌ماند؛ زیرا دیدگاه خود را، بر اصطلاحات و تعاریف دیگران بنا نهاده است. هرچند که در غالب اوقات، تعاریفی که از مهم‌ترین واژگان نیز ارائه شده است، اقتباسی است و دربردارنده نگاهی جدید نیست. تأکید دوباره لازم است که تعاریف اصطلاحات، به معنای تعریف یک واژه نیست؛ بلکه محقق در تعریف یک واژه باید نظریه‌ی جدیدی خلق و مفهوم‌سازی کند. تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی، ناچار باید با مفاهیم گوناگون مواجه شود و در باب بسیاری از مفاهیم موجود در علم تربیت، نظریه‌ای بدیع و مدون بر اساس دیدگاه قرآن مطرح کند و بدین منظور، به خلق برخی مفاهیم جدید و برآمده از زبان قرآن پرداخته و آنها را تبیین کند. چون هر نظریه‌پردازی باید نظریه‌ی خود را به واسطه‌ی استفاده از واژه‌ها تدوین کند، نظریه‌پردازی که قصد دارد دیدگاه سازمان‌یافته‌ای را نسبت به موضوعات تربیتی و بر اساس اندیشه‌های اسلامی ساخت و پرداخت کند، در این نوع نگاه به تفسیر تربیتی، باید مفاهیم مختلف و سازنده‌ی نظریه خود را، تعیین و بر اساس اسلوب‌های معینی، به تبیین مفهومی آنها طبق تعریفی که پیش از این آمد، اقدام کند؛ بنابراین، همین گام اول، او را از افتادن به ورطه‌ی استخراج نکات تربیتی دور می‌کند و او را در مسیری با گام‌های مشخص قرار می‌دهد. تفسیر تربیتی در این معنا، پس از مفهوم‌پردازی، نیازمند امور دیگری مانند طبقه‌بندی، مدل‌سازی، الگوپردازی و غیره است؛ لذا تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی را می‌توان طیفی در نظر گرفت که اقدام اول آن مفهوم‌پردازی به معنایی است که بیان شد و در ادامه نیز گام‌های دیگری را طلب می‌کند که مسلماً موشکافی و واکاوی این ماهیت جدید، مستلزم همت خیل پژوهشگران این حوزه است.



شکل ۲: ماهیت تفسیر تربیتی بر اساس گونه‌شناسی موجود و جدید در یک نگاه

شکل ۲، خلاصه‌ای از روال صورت گرفته در تعیین ماهیت تفسیر تربیتی، بر اساس گونه‌شناسی موجود و جدید از آن است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی ماهیت تفسیر تربیتی انجام شده و بدین منظور، به تعیین ماهیت آن با نظر به دیدگاه‌های موجود و نیز گونه‌شناسی جدید از تفسیر تربیتی مبادرت شده است. این پژوهش، ماهیت جدیدی را برای تفسیر تربیتی، نسبت به آنچه وجود دارد، طرح کرده است. تعیین ماهیت در

دیدگاه‌های موجود، نشان داد در غالب دیدگاه‌ها، تفسیر تربیتی وسیله‌ای برای استخراج نکات تربیتی است و می‌توان گفت چنین ماهیتی، اقبال‌آور نیست؛ به این معنا که حتی اگر فرض شود تمام نکات تربیتی قرآن با دقت بسیار استخراج شده، قرار است این نکات ما را به کجا برساند؟ این نکته نیازمند توجه بیشتری است. هم‌اکنون، کتب تفسیری و غیرتفسیری فراوانی وجود دارد که حاوی نکات ارزنده‌ای در باب نظر قرآن درباره‌ی تربیت است؛ اما به دلیل طی نشدن فرایندی نظام‌دار و روش‌مند، هنوز امکان استخراج نظریه‌ای منسجم که صدر و ذیل آن مبتنی بر نظر قرآن و روایات باشد، حاصل نشده است. همان‌طور که بیان شد، اولین اقدام در این جهت، می‌تواند مفهوم‌پردازی باشد. مسلماً چنین ماهیتی، نیازمند پژوهش‌های عمیق و دنباله‌داری است که ایده‌ی اولیه آن در این مقاله ساخت و پرداخت شد. آنچه از منظر هدف در تفسیر تربیتی مغفول مانده است، تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی با ماهیتی زاینده و مستحکم است که هرچه کاویده شود، نه‌تنها پایان نمی‌پذیرد، بلکه مدام زایاتر و جوشان‌تر می‌شود. بهرام‌پور (۱۳۹۴، ص ۱۰۸) نیز تأکید می‌کند که در متون اسلامی دیدگاه‌هایی وجود دارد که قابلیت تشکیل نظریه‌ای تربیتی و برنامه‌ای درسی بومی را دارد.

تفسیر تربیتی به‌مثابه‌ی نظریه‌پردازی، محملی برای مباحث مفهومی و فرایندی است که با هدف نظریه‌پردازی انجام می‌شود. در چنین حالتی، تفسیر تربیتی به موضوعات و مسائل جدید و بی‌شماری منجر می‌شود؛ مسائلی که با فرض تفسیر تربیتی در حکم رشته‌ای علمی، جلوه‌گر می‌شود. از جمله مسائل جدیدی که در این ماهیت از تفسیر تربیتی بروز می‌کند این است که نظریه لزوماً معنایی مشابه پارادایم‌های موجود، از جمله اثبات‌گرایی، مابعد اثبات‌گرایی و رویکرد تفسیری ندارد و تفسیر تربیتی، موجد معنای جدیدی از نظریه است. مفهوم نظریه و نظریه‌پردازی، معنای واحدی ندارد و ماهیتش به تناسب هر پارادایم و اردوگاه فکری، متفاوت است. از همین رو، معنای نظریه در این مشرب فکری، لزوماً همسان با برداشت‌های موجود نخواهد بود. البته این معنای جدید و زوایای آن، مطالعات گسترده و عمیقی طلب می‌کند.

از دیگر موضوعات و مسائلی که باید به آن اشاره کرد، فرآیند نظریه‌پردازی از طریق تفسیر تربیتی است. این فرآیند چه مراحل در بردارد؟ چگونه می‌توان از طریق تفسیر تربیتی، به طبقه‌بندی‌های جدید، مدل‌سازی و نظریه رسید؟ نحوه و میزان استفاده و جایابی علم موجود تربیت در فرایند نظریه‌پردازی چیست؟ و غیره. چون تفسیر تربیتی ماهیت شناخته‌شده‌ای ندارد، هنوز دیدگاه مدون و سازمان‌یافته‌ای معینی در قبال این مسائل و هزاران مسئله‌ی دیگر اتخاذ نشده است.

از زاویه‌ای متفاوت، تفسیر تربیتی فتح بابی به موضوع تمدن‌سازی است. برای تمدن، مؤلفه‌های مختلفی مانند نظام اقتصادی، نظام حقوقی، نظام تربیتی، نظام سیاسی و دیگر نظامات خرد و کلان ذکر شده است (مشکاتی سبزواری، الوری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲) و هویت یک تمدن وابسته به هویت این چند عنصر است. اگر به دنبال تمدنی اسلامی هستیم، قاعدتاً باید به دنبال تعیین هویت برای اقتصاد، سیاست، فرهنگ و تربیت جامعه باشیم. در هر کدام از این عناصر، فارغ از ماهیتی که برایش متصور باشیم، نظریاتی وجود دارد. جوامع گوناگون با نظریاتی که در هر کدام از این مؤلفه‌ها دارند، از یکدیگر متمایز می‌شوند؛ مثلاً هویت تمدنی که نظام تعلیم و تربیت آن بر مبنای اومانسیسم شکل گرفته با هویت جامعه‌ی دیگری که تمدن

خود را بر اساس پراگماتیسم بنا نهاده است، قطعاً تمایز دارد. پس معلوم می‌شود آنچه سبب ماهیت‌بخشی به یک تمدن می‌شود، نظریه‌هاست. اساساً نظریه، مبنای تمدن است و لذا اگر انقلاب اسلامی ایران را، سنگ بنایی در جهت تشکیل تمدن اسلامی قلمداد کنیم، اولین و اساسی‌ترین گام، تولید نظریات اسلامی و برگرفته از متون اسلامی برای دستیابی به دستگاه نظری معین و منسجم است؛ زیرا در اداره‌ی هر جامعه، دستگاه نظری معینی حاکم است که تبلور آن در اقتصاد، سیاست، تربیت و غیره خود را نشان می‌دهد. طبق تعالیم دین مبین اسلام، تمدن نوین اسلامی، هدف جامعه اسلامی است. از این‌رو، سرنخ‌های شناخت این تمدن را، بیش از هر چیز، باید در آیات قرآن و روایات اهل‌بیت جست‌وجو کرد (سمسار و کریمی، ۱۳۹۴، ص ۵۲). لذا اگر بناست جامعه‌ی ما به سمت تمدنی اسلامی حرکت کند، لازم است زیرساخت‌های تمدن‌سازی را از طریق نظریه‌پردازی بنیان نهد. یکی از مسیرهایی که ما را به نظریه‌پردازی در حوزه تعلیم و تربیت می‌رساند، تفسیر تربیتی است؛ بنابراین، این مطالعه، هم‌ه‌ی پژوهشگران و صاحب‌نظران مرتبط و علاقه‌مند به موضوعات تربیتی و اسلامی را، به سمت تمرکز بر نظریه‌پردازی تربیتی به واسطه‌ی تفسیر تربیتی ثاقب، رهنمون می‌سازد. البته مقدمات چنین حرکتی، واکاوی و انجام پژوهش‌های بیشتر درباره‌ی این ماهیت، اضلاع، ابعاد و لایه‌های آن است.

منابع و مأخذ

- ابوخمسين، هاشم؛ مؤدب، رضا؛ «مبانی التفسیر التربوی»؛ قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
- احسانی، محمد؛ همت‌بناری، علی؛ «روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن»؛ قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
- اسعدی، علی؛ «مدل روشی تفسیر تربیتی»؛ رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر محمدکاظم شاکر؛ رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، ۱۳۹۴ ش.
- اعرافی، علیرضا؛ درآمدی بر تفسیر تربیتی؛ قم: موسسه‌ی اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ ش.
- اعرافی، علیرضا، همت‌بناری، علی، رضایی اصفهانی، علی؛ «اقتراح: مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر تربیتی قرآن کریم»؛ قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
- افشارک، احمدذبیح؛ «آسیب‌شناسی تفسیر و تفاسیر تربیتی قرآن»؛ قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷ ش.
- امین‌خندقی، مقصود؛ جعفرنیا، فاطمه‌سادات؛ «تفسیر تربیتی به‌مثابه رشته علمی: در جستجوی گونه‌شناسی شمول‌گرایانه و جامع از تفسیر تربیتی»؛ دو فصلنامه تربیت اسلامی، مقاله زیر چاپ، ۱۳۹۷ ش.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، جلودار، حبیب‌الله؛ ربیع نتاج، علی‌اکبر؛ علویان، مرتضی؛ درآمدی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ بابلسر، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۶ ش.
- ایزدی، بهزاد؛ تجری، محمدعلی؛ «چیستی تفسیر تربیتی (مبنتی بر روش‌شناسی پژوهش در تفاسیر و علوم تربیتی)»؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸۰، ۱۳۹۵ ش.
- الباز، انوار؛ التفسیر التربوی للقرآن الکریم؛ مصر، دار النشر للجامعات مصر، ۱۴۲۸ ق.
- بهرام‌پور، محسن؛ «ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»؛ نوآوری‌های آموزشی، شماره ۷، ۱۳۸۳ ش.
- جلیلی، سید هدایت؛ تفسیر موضوعی: چیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها؛ قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن»؛ اندیشه دینی، پیاپی ۳۲، ۱۳۸۸ ش.
- _____؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم؛ تهران، اسوه، ۱۳۸۹ ش.
- رفیعی محمدی، ناصر؛ منبع سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن؛ قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- سمسار، حامد؛ سمسار، محمدصادق؛ کریمی، صدیقه؛ «مدل‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی به کمک شبیه‌سازی اجتماعی»؛ جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
- شیروانی، علی؛ ترجمه و شرح نهایی الحکمه علامه سید محمدحسین طباطبایی؛ تهران، الزهراء، ۱۳۸۳ ش.
- صالحی، سید عباس؛ «تربیت اندیشی قرآنی»؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۹، ۱۳۸۸ ش.
- علوی‌مهر، حسین؛ روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ قم، اسوه، ۱۳۸۹ ش.
- فیاض، ایراندخت؛ انصافی مهربانی، سپیده؛ «سلام در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن»؛ علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۹، ۱۳۹۶ ش.

- کاظمی، ابوالفضل؛ «جریان‌شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر قرآن کریم»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمداکرم رحمان ستایش؛ رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، ۱۳۹۲ش.
- کشاورز، سوسن؛ زهری، محسن؛ «ماهیت، اصول و روش‌های معادباوری در تربیت اسلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم؛ تربیت اسلامی، شماره ۱۹، ۱۳۹۳ش.
- مسلم، مصطفی؛ پژوهشی در تفسیر موضوعی؛ ترجمه هادی بزدی ثانی، مشهد، به نشر، ۱۳۹۰ش.
- مشکاتی سبزواری، عباسعلی؛ الوری، محسن؛ «درآمدی بر سنجش ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه»؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳، ۱۳۹۰ش.
- مظفر، محمدرضا؛ منطق؛ تهران، حکمت، ۱۳۹۰ش.
- مؤدب، رضا؛ روش‌های تفسیر قرآن؛ قم، اشراق، ۱۳۹۲ش.
- میرزاخانی، حسین؛ نخستین تفسیر تربیتی؛ قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ناطقی، غلامحسین؛ «قلمرو تفسیر تربیتی»؛ قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷ش.
- هاشمی علی‌آبادی، احمد؛ «روش‌شناسی تفسیر تربیتی»؛ معارف، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۲
- Beauchamp, G.A. Curriculum theory. 4th edition. The Kag Press, Wilmette, Illinois, 1981.
- Carr, Wilfred, "Foreword". A Student's Guide to Methodology. Clough, Peter and Nutbrown, Cathy (Authors). London: Sage Publications, 2002.